

است در دستور کار قرار گیرد.

فراتر از قانون

قطعاً در کشوری که از مزیت مطلق انرژی برخوردار است، فروش حامل‌ها به قیمت‌هایی فراتر از قیمت کشورهای منطقه کار درستی نیست. بر اساس بررسی‌های واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، قیمت بنزین با اکتان ۹۵ در پایان دسامبر ۲۰۱۰ - که بیشترین قیمت را در این سال داشته - برابر با ۹۹/۶۹ دلار در هر بشکه بوده است. با احتساب هر بشکه ۱۵۹ لیتر و قیمت هر دلار ۱۰۵۰ تومان، قیمت بنزین فوب معادل ۶۵۸ تومان برای هر لیتر است، در حالی که قیمت بنزین سوپر در کشور ما - آن هم با اکتان ۹۲ که از کیفیت پایین‌تری نسبت به اکتان ۹۵ برخوردار است - ۸۰۰ تومان تعیین شده است. این موضوع از آن جهت نگران‌کننده است که قرار بود قیمت‌ها در یک دوره ۵ ساله آزاد شوند، نه آن که در هفته اول آغاز طرح، قیمت بنزین بیش از فوب خلیج فارس تعیین شود. در قیمت برق، گاز و آب هم ارقام اعلام شده نشان از آزاد سازی سریع و کوتاه مدت قیمت‌ها دارند و این موضوع، نشان می‌دهد که دولت قصد دارد در مدتی بسیار کوتاه این مسیر را طی کند.

مسیر هدفمندی بارانه‌ها مسیری سخت و پُرپیچ و خم، اما بس باارزش است. طی طریق در این مسیر دشوار، نیازمند دقت نظر بسیار و همبستگی فکری و عملی همه ارکان حکومتی و مردمی است. امیدواریم رؤیای ایران توسعه یافته، زیر سایه اتخاذ سیاست‌های درست و روش‌های حساب شده و دقیق محقق گردد. ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره «اقتصاد ایران» را در رابطه با «هدفمندی بارانه‌ها در اقتصاد ایران» در صفحات ۳۰ - ۳۳ می‌خوانیم.

سیاست‌های همراه (Accommodating Policies) هم در دستور کار مسئولان قرار گیرند تا تولید رو به افول نگذارد. این سیاست‌ها عبارتند از:

- ۱) افزایش ملایم و معقول قیمت فروش برای واحدهای اقتصادی مقصور باشد.
- ۲) سیاست‌های کارآمد بودجه‌ای نظیر کاهش نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها و اعتبار مالیاتی سرمایه‌گذاری (Investment Tax Credit) توسط خزانه‌داری و وزارت اقتصاد اتخاذ شوند.
- ۳) سیاست‌های پولی مناسبی که باعث افزایش ملایم نقدینگی می‌شوند، توسط بانک مرکزی اتخاذ گردند.
- ۴) کاهش نرخ سود بانکی برای افزایش کار آفرینی در برنامه سیاستی مدیران بانکی قرار گیرد. حتی این کاهش نرخ سود بانکی، باید به گونه‌ای صورت پذیرد که بتواند ریسک سرمایه‌گذاری و فقدان مزیت انرژی ایزان را در ایران توجیه نموده و در نتیجه سرمایه‌های موجود را در منطقه جذب کند.
- ۵) سیاست‌های مالی بهینه و کارآمدی نظیر اجازه فروش اوراق مشارکت به بنگاه‌های بزرگ، انتشار تجمعی اوراق مشارکت برای کار آفرینان کوچکتر و ترمیم اوراق بازرگانی توسط شورای بورس و اوراق بهادار اتخاذ شوند.
- ۶) از بنگاه‌های داخلی در راستای خرید، واردات و بومی سازی تکنولوژی روز و منطبق با قیمت‌های جدید انرژی حمایت شود.
- ۷) سازمان گسترش و نوسازی صنایع از بنگاه‌های تولیدی و صنعتی کشور، هدفمندتر از گذشته حمایت کند.

۸) اصلاح برخی بندهای قانون هدفمندی همچون ماده یکم که اجازه فروش حامل‌های انرژی را به دولت - حتی فراتر از قیمت‌های فوب و جهانی - اعطا کرده

روندهای جاری در صنعت جهانی اوراق بهادار

سرمشق آتی

ارزیابی آقای علی سنگینیان، معاون مطالعات اقتصاد و توسعه بازار بورس تهران



شرکتی شدن: تغییر ساختار حقوقی بورس‌ها از سازمان‌های عمومی غیرانتفاعی مبتنی بر اعضا به شرکت‌های سهامی انتفاعی و سپس پذیرش در بورس، یکی از مهمترین تحولات صنعت اوراق بهادار در سال‌های اخیر است. عقیده عمومی بر

آن است که با شرکتی شدن بورس‌ها، هزینه‌های دسترسی به بازار کاهش یافته و این موضوع به کاهش هزینه سرمایه برای شرکت‌های پذیرفته شده و کاهش هزینه‌های معاملاتی برای سرمایه‌گذاران منجر می‌شود. از سوی دیگر، "حاکمیت شرکتی" تقویت می‌شود.

راهبرد شرکتی شدن بورس‌های اوراق بهادار در جهان به گونه‌ای پیگیری شده که تا سال ۲۰۰۹ میلادی، ۸۳ درصد از بورس‌های عضو فدراسیون - از جمله بورس تهران - از ساختار شرکتی انتفاعی برخوردار شده‌اند که این رقم، دو برابر همین نسبت در ۱۰ سال پیش است.

حذف واسطه‌ها: حذف واسطه‌گران مالی از معاملات اوراق بهادار یا کاهش نقش آنها، اگر چه کاهش هزینه‌های معاملاتی را به دنبال دارد، اما نیازمند بکارگیری فناوری‌های مدرن و به روز است. بررسی روند کارمزدهای معاملاتی بورس‌های اوراق بهادار نشان می‌دهد که هزینه معاملاتی بیشتر بورس‌های دنیا در اواخر قرن بیستم کاهش چشمگیری داشته است که این امر، به نوعی نشان دهنده توسعه بکارگیری سامانه‌های معاملاتی پیشرفته و کاهش

اگر بورس اوراق بهادار را به عنوان بازاری نظام مند تعریف کنیم که در آن، ناشران در پی تأمین منابع مالی و کارگزاران (اعضا) به دنبال خرید و فروش اوراق بهادار هستند، در این صورت این بازار باید چهار ویژگی را ارایه کند.

- مکانی فیزیکی یا مجازی برای تعاملات خریداران و فروشندگان باشد.
- توانایی اخذ و انتشار اطلاعات پیش از معامله و پس از آن را برای همه فعالان بازار به شیوه‌ای کارآمد و بدون تبعیض داشته باشد.
- چارچوب مقرراتی قوی و مؤثری را - بدون ایجاد مشکل در فعالیت عادی بازار - برای حمایت از حقوق سهام‌داران در برابر اقدامات غیرمنصفانه و غیرقانونی تدوین نماید.
- وظیفه محافظت از فعالان بازار را در برابر ریسک قصور طرف مقابل به عهده بگیرد.
- این ویژگی‌ها، اگر چه خصوصیات پایه بورس‌های اوراق بهادار هستند و از تأسیس نخستین بازارها در قرن ۱۴ میلادی با جدیت پیگیری شده‌اند، اما تحولات اخیر صنعت اوراق بهادار، باعث شده‌اند که بورس‌های اوراق بهادار به رغم حفظ نقش مهم و تأثیرگذار خود در توسعه اقتصاد جهانی، با آنچه که ما قبلاً به عنوان بورس در ذهن داشتیم، کاملاً متفاوت باشند. بدیهی است که این تکامل در آینده هم ادامه خواهد یافت و بورس‌ها تلاش خواهند کرد با معرفی محصولات جدید و بکارگیری فناوری‌های مدرن، پاسخگوی نیازهای متنوع و روز افزون سرمایه‌گذاران باشند.
- مهمترین تحولات صنعت اوراق بهادار در سال‌های اخیر و تأثیرات این تحولات را بر فعالیت بورس و فعالان آن، می‌توان در ۶ قالب بررسی کرد.

هزینه‌های قابل توجه برای بورس‌های اوراق بهادار، امکان حضور رقبا را در بازار افزایش داده‌اند. برای نمونه، مقررات NMS و MIFID که در سال ۲۰۰۷ به ترتیب در آمریکا و اروپا معرفی شده‌اند، کارگزاران را موظف می‌کنند که سفارش‌های خود را به بهترین قیمت انجام دهند؛ حتی اگر لازم باشد این سفارش را در بازارهای دیگر یا سامانه‌های معاملاتی جایگزین غیربورسی معامله کنند.

داخلی سازی، مقررات دیگری است که اجازه می‌دهد کارگزاران و معامله‌گران بزرگ، سفارش‌های دریافتی را از مشتریان خود در سامانه‌های داخلی، معامله و تسویه کنند و فقط اطلاعات آن را به بورس گزارش دهند. به عبارت دیگر، فضای رقابتی جدیدی بین بورس و کارگزاران ایجاد شده که علاوه بر کاهش درآمد بورس‌ها، می‌تواند باعث عدم شفافیت یا افزایش تضاد منافع گردد.

جهانی شدن: فراگیر شدن ارتباطات بین‌المللی میان بورس‌ها، پذیرش دو گانه شرکت‌ها در بورس‌های مختلف، پلت‌فرم‌های معاملاتی مشترک، افزایش سهم سرمایه‌گذاران خارجی در بازار و ایجاد نمایندگی توسط بورس‌های بزرگ در کشورهای در حال توسعه، همگی نشان دهنده تلاش شرکت‌های پذیرفته شده برای دسترسی به منابع مالی جدید و دسترسی بورس‌ها به سرمایه‌گذاران جدید هستند.

نتیجه‌گیری

گزارش‌ها نشان می‌دهند که بورس‌ها با از دست دادن قدرت و انحصار گذشته خود با رقابت بورس‌های خارجی و سامانه‌های معاملاتی جایگزین و به عبارت دیگر، چند تکه شدن بازار خود رویه‌رو هستند و الزامات قانونی جدید، محدودیت‌ها و هزینه‌های قابل توجهی به آنها تحمیل می‌کنند. این مسایل در کنار فشار برای کاهش کارمزدهای معاملاتی، منجر به کاهش شدید حاشیه سود آنها شده‌اند. از این رو، تداوم فعالیت آتی بورس‌ها، منوط به اتخاذ راهبردهای جدید برای فعالیت در بازارهای مالی یکپارچه و به شدت رقابتی آینده است. بر همین اساس، ضروری است مسؤولان بازار سرمایه کشور، در کنار اقدامات توسعه‌ای سال‌های اخیر، گوشه چشمی به تحولات بازارهای جهانی داشته باشند تا بتوانند با توسعه تعاملات بین‌المللی، اصلاح زیرساخت‌های فنی و مقرراتی و آماده شدن برای فعالیت در فضای رقابتی، مسیر خود را برای گسترش بیشتر فعالیت‌های آتی، هموار سازند. ■

نقش واسطه‌های مالی در انجام معاملات است. مطالعه دومویتز (Domouvit) نشان می‌دهد که حذف واسطه‌گران مالی می‌تواند تا ۷۰ درصد هزینه‌های مربوط به پذیرش و معاملات اوراق بهادار را که توسط شرکت‌های پذیرفته شده پرداخت می‌شوند، کاهش دهد. این خود به معنی کاهش ۷/۸ درصدی میانگین هزینه سرمایه برای شرکت‌های بزرگ است. اعطای دسترسی یا عضویت مستقیم به سرمایه‌گذاران نهادهای از جمله صندوق‌های سرمایه‌گذاری (تجربه بورس یورکس)، نمونه‌ای از حذف فعالیت واسطه‌گران مالی از انجام معاملات است.

بازنگران جدید: طی دهه ۹۰ میلادی، تعداد قابل توجهی بازیگر جدید به شکل سامانه‌های معاملاتی جایگزین یا شبکه‌های معاملات الکترونیک به مجموعه بازیگران بازار اضافه شده‌اند و توانسته‌اند بخش قابل ملاحظه‌ای از معاملات اوراق بهادار بورس‌ها و به عبارت دیگر، سهم آنها را از بازار به خود اختصاص دهند. هر چند، با وقوع بحران حباب قیمتی شرکت‌های اینترنتی، از فعالیت این سامانه کاسته شده و در مقابل، بورس‌های اوراق بهادار تلاش کرده‌اند با تصاحب این سامانه‌های معاملاتی یا ایجاد نمونه‌های مشابه، سهم آنها را از بازار مجدداً در اختیار بگیرند، اما همچنان این سامانه‌های معاملاتی به عنوان رقیب جدی بورس‌ها به شمار می‌روند. سامانه‌های معاملاتی مذکور در کنار سامانه‌های معاملاتی غیرشفاف، علاوه بر اختصاص بخشی از معاملات بورس‌ها به خود، فشار زیادی به بورس‌ها برای کاهش کارمزدها وارد می‌کنند، چرا که این سامانه‌ها کارمزدهای بسیار اندکی را از معاملات دریافت می‌کنند که عمده‌تاً به دلیل هزینه‌های پایین راه‌اندازی و حذف هزینه‌های جانبی مانند پذیرش اوراق بهادار، هزینه‌های نظارتی و انتشار اطلاعات است.

ادغام: سیاست دیگری که توسط بورس‌های اوراق بهادار در این دوره و با هدف استفاده از صرفه‌های ناشی از مقیاس و امکان رقابت جهانی و همچنین رقابت با سامانه‌های معاملاتی جایگزین دنبال شده، ادغام یا تصاحب بورس‌ها است. رشد فناوری، جهانی شدن اقتصاد و کاهش شکاف‌های مقرراتی میان کشورهای مختلف، فرآیند ادغام بورس‌های اوراق بهادار را تسهیل کرده و آنان را قادر ساخته به یکپارچگی بازارهای اوراق بهادار، باعث نقد شوندگی بیشتر و خلق فرصت‌های سرمایه‌گذاری متنوع‌تر برای سرمایه‌گذاران شوند.

مقررات: تغییر چارچوب‌های تنظیمی و نظارتی، یکی دیگر از اتفاقات مهم حوزه صنعت اوراق بهادار در سال‌های اخیر است. این تغییرات علاوه بر ایجاد مسؤولیت و

سردرگمی در تعامل غرب با ایران



هویج بهتر از چماق

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

کارایی استفاده از محرک‌های مثبت به جای تحریم‌ها در مقابل ایران، از نگاه مؤسسه Independent، کالیفرنیا

برخی تحریم‌ها لازم است، اما تحریم‌های بین‌المللی و دو جانبه که بر بخش انرژی و تجارت برخی مقامات ایرانی اثر گذار بوده‌اند، بسیار فراتر رفته‌اند.

تاریخ نشان می‌دهد چنین

تحریم‌هایی می‌توانند گاه و بیگاه اثراتی بر کشور مورد نظر داشته باشند، اما تنها در صورتی که انتظار نداشته باشیم تغییر رفتار آن کشور چندان قابل توجه باشد. تحریم‌های فعلی علیه ایران، اهداف محدودی را دنبال نمی‌کنند. وادار کردن کشوری که در منطقه ناامنی قرار گرفته (در مجاورت دشمنانی همچون اسرائیل که دارای سلاح اتمی هستند و یا برخی کشورهای عربی که قصد دارند هسته‌ای شوند) به دست کشیدن از برنامه هسته‌ای، درخواستی غیرمنطقی است. کشورهایی که معتقدند امنیت ملی آنها در خطر است، معمولاً در مقابل

انتشار اسناد محرمانه وزارت امور خارجه آمریکا توسط سایت ویکی لیکس که حاوی درخواست همسایگان ایران برای جلوگیری از برنامه هسته‌ای این کشور بود، زمانی اتفاق افتاد که مذاکرات برای پایان دادن به تلاش‌های ایران آغاز شده بودند.

اما زمانی که در مورد مذاکرات بعدی در ژانویه ۲۰۱۱ توافق حاصل شد، گری سیمور، مشاور ارشد اسبق کاخ سفید در امور کنترل تسلیحات کشتار جمعی، از تهدیدهای جدید غرب برای اعمال تحریم بیشتر علیه ایران - به ویژه در حوزه انرژی - خبر داد.

ولی تهدید به تحریم‌های بیشتر برای مجاب کردن ایران به پایان دادن فعالیت‌های هسته‌ای، نگرشی بی‌حاصل خواهد بود. کارشناسان معتقدند از نظر روانشناسی، تقویت منفی، اصلی است که اثر بد آن بر جای می‌ماند و از آنجایی که روابط بین کشورهای معمولاً منوط به مذاکرات بین سران آنها است، ایجاد محرک‌های مثبت، از تحریم‌های منفی کارسازترند.

به منظور بازداشتن ایران از دستیابی به تکنولوژی و مواد ساخت بمب هسته‌ای، اعمال